



پاسخ کودتای سی خرداد انقلاب خلقهاست

با قیام بهمن خفقان و دیکتاتوری محمد رضا شاهی بدست توانای مردمان در هم شکسته شد. انقلابیون در بند آزاد شدند و سازمانها و گروههای انقلابی در همه جا به مبارزه برای احقاق حقوق مردم پرداختند. مردم مبارز مادرکارخانه و مزرعه، دانشگاه و مدرسه، کوچه و خیابان و در همه جا به بحث و تبادل نظر در باره انقلاب و خواستههای خود پرداختند. خلاصه اینکه در جامعه بقیه در صفحه ۲

خلقهای قهرمان ایران بعد از کودتای خائنانه محمدرضا شاه در ۲۸ مرداد دست از مبارزه انقلابی خود بر نکشیدند و مبارزات خود را در عرصههای مختلف به جلو بردند و بالاخره پس از سالها جانفانی با قیام قهرمانانه خود در سال ۱۳۵۷، قیامی که لیسز به بر اندام تمام مرتجعین و امپریالیستها انداخته و نتوانستند به قدرت اسلحه رژیم منفور پهلوی این نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکا را سرنگون سازند.

نوکران آمریکا، دوستان جمهوری اسلامی

در اوایل اردیبهشت ماه رژیم خمینی با بوق و کرنا خبر لشکر کتی ۴۰۰ نفره بازرگانان و تجار و دلان و سرمایه داران ترکیه را به ایران اعلام کرد. اوزداغلا سر پرست این هیئت اعلام کرد هدف این مسافرت نکات زیر میباشد: بقیه در صفحه ۴

"پلورالیسم" عمال امپریالیسم

در حاشیه حوادث کوی دانشگاه پاریس (سیتیه)

آزادی و اومای مقدس و روحبخش است و همواره در طول تاریخ بزرگترین جنایات و تبهکاریها در نهان تظاهر به حفظ آزادی از سوی حکام خود کاه و ابزار سرکوبگران بر علیه خیل توده های در بند انجام گرفته. محمد رضا شاه و رژیمهای سواولوی در طول سالهای سیاه حکومت اختناق پهلوی ایران را "دموکراتیکترین" کشور دنیا می نامیدند که گویا جوامع "دموکراسی" قرب برداشتن چنان اوضاعی حصادت صورت میدادند! بقیه در صفحه ۵

افتضاح انتخابات در زاهدان

در جریان انتخابات زاهدان به علت تضادهای موجود بین کاندیدها، امام جمعه و استاندار این شهر اسم یکی از کاندیدها (آقای زابلی) را حذف مینمایند. در تاریخ چهارشنبه ۲۲ فروردین زابلی و طرفدارانش در خیابان خمینی زاهدان جمع میشوند. مردم فرصت را جهت مبارزه بر علیه رژیم خمینی غنیمت شمرده و به خیابانها میریزند. تظاهرات راه می افتد به دفتر و خانه امام جمعه حمله میشود و اموال او مصادره میگردد. مردم شعارهای ضد - رژیمی داده و با چوب و چماق به مقابله با پاسداران پرداخته بقیه در صفحه ۶

بحرانهای امپریالیسم انگلیس و اعتصاب کارگران معدن



اینبار نیز این کارگران انگلستان هستند که بایستی غرامت بحرانی را که گریبان

امپریالیسم بر انگلستان را گرفته به پرداختند.

بحرانی که در اوایل دهه ۲۰ در جهان امپریالیستی آغاز گردیده همچنان ادامه دارد و امپریالیسم به منظور ادامه حیات انگلستان خود با تمام وجود سعی در سلب و انتقال بحرانهایش بر دوش کارگران خودی و خلقهای کشورهای تحت الطفه را دارد. بقیه در صفحه ۳

وقایع جنوب آفریقا
و نظرات حزب توده خائن

بقیه از صفحه ۱۰

وقایع جنوب آفریقا...

اما ورق پاره " راه توده " نشریه هواداران حزب توده خائن در خارج از کشور در شماره ۸۴ (۲۹ اسفند ۶۲) در مورد این تشبیه و تحولات در مقالهای بنام " گفتگوهای سیاسی میان کشورهای جنوب آفریقا " وقایع را عدا وارانسه جلوه داده و سعی در توجیه مسائل بنفع ابر قدرت روسیه و ارتجاعین منطقه نموده است. به قسمتهایی از این مقاله توجه ننمائید " نمایندگان انگولا و آمریکا، آفریقای جنوبی بایکدیگر دیدار کردند. در این دیدار، مسئله دور کردن ارتشهای جنوب آفریقا مطرح شد. شرکت کنندگان در این گفتگو توافق کردند که واحدهای ارتش آفریقای جنوبی که هنوز جنوب انگولا را در اشغال خود دارند آنجا را ترک کنند. در موزامبیک، گفتگوها پیرامون عادی کردن مناسبات میان دو کشور بود. هم انگولا و هم موزامبیک ... اکنون که پشت میز گفتگو نشسته اند، بعضی عقب نشینی از مواضع پیشین نیست. طی این گفتگوها تاکید شد که انگولا از مبارزین خلق نامیبیا وزیر رهبری سواپو برای استقلال و آزادی پشتیبانی می کند. ژواکیم شیسانو وزیر امور خارجه موزامبیک از جانب خود در روزنامه (نوتیسیاس) نوشت: " موزامبیک همچنان از کنگره ملی آفریقا در پیکار علیه جداسازی نژادی پشتیبانی میکند " (تاکید ها از ماست)

حزب خائن و مرم فروش توده وقایع را چنان توضیح میدهد که گویا آب از آب تکان نخورده و مسئله فقط پیرامون عادی کردن مناسبات دو کشور است و قضیه را طوری وانمود کرده است که مبارزین کنگره ملی آفریقا و مبارزین سواپو هر دو با این قراردادها موافقت. این دروغ محض است. با مراجعه به اخبار و گزارشات مختلف (مافلا فقط به اخبار یکی از آنان اکتفا میکنیم) بعد خیانتها و جنایاتی را که بر علیه این دو انقلاب شده است خواهیم دید. حزب خائن توده بنقل از وزیر خارجه موزامبیک (آنها از قول خود نه دولت موزامبیک) میگوید که از مبارزات ک.م.آ. دفاع خواهد کرد. آنها چه مبارزهای و علیه جداسازی - نژادی! ک.م.آ. برای سرنگونی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی همچنگ نسه جداسازی نژادی! حرف زدن آسان است و " انگولا از مبارزه خلق نامیبیا پشتیبانی میکند " و یا در بیانیه مشترک رئیس جمهور انگولا و کوبا از سواپو و ک.م.آ. دفاع میشود ولی در عمل سواپو و ک.م.آ. سرکوب میشوند و جنایات و خبیانتهای حزب توده این جاسوس ابر قدرت روس فقط نصیب خلقهای ایران نمیشود. هر جا که منافع ابر قدرت روس و ایادیش در خطر باشد چاکر منشی و خوش خدمتی را بعهده میگیرد.

ماتسانه نشریه جهان (نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی در خارج از کشور - شماره ۱۸، اسفند و فروردین ۶۳) در مقاله ای تحت نام " نامیبیا: مبارزه برای استقلال آفریقا " میگوید: " تنها هیچ اشارهای به تحولات اخیر نمیکند بلکه اساسا بدفاع از موافقت های انگولا و آفریقای جنوبی می پردازند. چندی قبل با تهدید اتحاد جماهیر شوروی در مورد دخالت نظامی و حمایت از جنبش سواپو دولت انقلابی انگولا، نمایندگان سه کشور انگولا، آمریکا، آفریقای جنوبی روز ۱۶ فوریه در کشور نامیبیا بحضور آتش بس و آنتخان تصمیم نهایی در مورد استقلال نامیبیا پای میز مذاکره رفتند. چریکهای سواپو ... مورد حمایت پت کشورهای شرقی، سوسیالیستی منجمد کوبا، شوروی و انگولا نیز بودند " (تا - کید از ماست) هیئات! این کاش رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائیس خلق به بعد انحرافات خود پی میبرند و با چشمان باز بمواقعات جهان مینگرینند. ماتسانه انحراف این رفا در مورد ابر قدرت شوروی بسیار خطرناک بوده و بحال انقلاب ایران شدیداً مضرت است.

خلاصه کرده باشیم، این قراردادها برای سرکوب انقلاب در منطقه است. اختلافات این کشورها که بر بنیاد اختلافات دوا بر قدرت شکل گرفته باشد ناراضی در داخل این کشورها از شدت تصادمات کاسته و مبارزه بر علیه انقلاب در داخل هر یک از این کشورها عمدتاً ماست ولی باین معنی نیست که اختلافات ابر قدرتها در منطقه از بین رفته. بهین جهت رژیم آفریقای جنوبی برای سرکوب مبارزات مردم بودجه دفاعی کشورش را ۲۱/۴ درصد افزایش داده و به ۲/۰۸۶ میلیارد دلار رسانده است. بودجه پلیس ۴۴ درصد و پلیس مخفی ۲۵ درصد بالا رفته است. (گاردین ۲۹ مارس ۸۴)

صحتهای مان را با نقل قول کوتاهی از سخنان نخست وزیر آفریقای جنوبی در موقع امضا قرارداد ۱۶ مارس با موزامبیک خاتمه میدهم. " با امضاء این قرارداد قدم بزرگی در تاریخ جنوب آفریقا برداشته شده مابه جهان نشان دادیم که کشورهایی که از لحاظ اجتماعی - اقتصادی بایکدیگر فرق دارند میتوانند در کنار هم در صلح و صفا زندگی کنند " (گاردین ۱۷ مارس ۸۴). منظور از صلح و صفا یعنی سرکوب انقلاب و استثمار بیشتر توده های محروم کشور - هایی که از لحاظ اجتماعی - اقتصادی بایکدیگر فرق دارند بهتر گفته باشیم یعنی کشورهایی که هر کدام به یک ابر قدرت وابسته اند. دوا بر قدرت و ارتجاع عین وابسته به آنها با وجود تضاد بایکدیگر بر سر سرکوب انقلاب هم نظر بوده و با هم به سرکوب آن میروند. تنها راه نجات تکی بودن بخود و قسوی خود و بر علیه هر دوا بر قدرت است و بس!

آکسیون سراسری.....

بقیه از صفحه ۱۲

فالاترهای مستقر در سفارت سلح به چوب و بنجه بکس و چاقوه به رفقای اشغال کننده که تعدادشان فقط ۱۱ تن بود حمله ور میشوند. هنگامیکه رفقای هوادار سچفا در سفارت بودند چند تن از شاهپرست های خائن با بیرون آوردن عکس توله سگ شاه سعی کردند که ایمن حرکت را بخود نسبت دهند که با افشاگری رفقای ستاد که در محل حاضر بودند روبرو شده. پلیس آنها را متفرق کرد. در ضمن تعدادی از اوباشان رژیم که خبر اشغال سفارت را شنیده بودند از اطراف و اکناف جمع شده بودند و مدام بوسیله تلفن از اوضاع درون سفارت با خبر میشدند. تعدادی از رفقای ما با رفقای هوادار سچفا بدون سازمانی قبلی در بیرون از سفارت شروع به شعار دادن بر علیه

رژیم تبهکار خمینی و اوباشان صدراتی از شهرهای دیگر کردند که آنها هم پس از مدتی شعار دادن و گفتن " الله اکبر " در مقابل شعار مرگ بر خمینی بالاخره از میدان بدر رفته و محل را ترک کردند. حرکت انقلابی اشغال سفارت با وجود موفق بودن آن بطور کلی نقطه ضعفی در خود داشت و آنها با فشاری این رفقا بر حرکت منفردانه و با فشاری بر عدم همکاری با نیروهای دیگر میباعد.

مسئله تاراندن امپریالیسم و سرنگون کردن رژیم خمینی و آزاد کردن زندانیان سیاسی و بالاخره بر قراری جمهوری دمکراتیک خلق بر مبنای طبقه - کارگر خواست کلیه نیروهای انقلابیست و برای رسیدن به این خواستها نیاز به اتحاد و همکاری مشترک میباشد. باشد که در آینده رفقا از تکرور دست برداشته و نیروهای دمکرات و انقلابی بتوانند آکسیونهای افشاگرانه و متحدی برگزار کنند.

بقیه از صفحه ۱

بحرانهای امپریالیسم ...

اعتصاب کارگران معدن انگلستان در اعتراض به برنامه بستن بیش از ۲۰ معدن و که به اخراج بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر کارگر معدن خواهد انجامید و آنها را به خیل عظیم بیکاران خواهد افزود هر روز اوج بیشتری می گیرد.

بیکاری در انگلستان غوا می کند و یکی از بدترین موقعیتهای خود بصری بسرد هم اکنون بیش از ۳ میلیون نفر بیکار در انگلستان موجود است و این تعداد هر روز روبه افزایش است و کوچکترین نشانه ای در جهت بهبود این اوضاع نیست. بحالت وخامت اوضاع اقتصادی هر روز کارخانهای یا شرکتی یا قسمتی از آنها به تعطیل و تعداد عظیمی از کارگران اخراج میگردند و به خیل عظیم بیکاران جهان سرمایه داری می پیوندند. در سال ۱۹۸۰ بر اثر بسته شدن قسمتی از کارخانجات صنعت فولاد در انگلستان تعداد زیادی از کارگران آن بیکار گردیدند. این کارگران در مقابل با این حرکت فاشیستی و ضد کارگری به دلایلی که در موردش بحث خواهیم کرد نتوانستند از این سیاست جلوگیری کنند و حمل مبارزات کارگران بشکست انجامید و وحالا نوبت کارگران معدن است که بار ناشی از بحرانهای تصحیح یافته امپریالیستها را بر دوش کنند.

امپریالیسم انگلستان که در گذشته از مبارزات کارگران معدن ضربات فراوانی خورده و پس از آنکه اعلام کرد که دیگر تولید ژغال سنگ در بسیاری از معادن برای اقتصاد انگلستان باصرفه نیست و تصمیم به بستن بیش از ۲۰ معدن را در عرض ۱۲ ماه آینده گرفت. کارگرانی که سالهای تمام ای را با تحمل استقامت و خشیتانه در معادن تنگ و تاریک گذرانده اند با خطر اخراج روبرو می گردند. آنها پس از این تصمیم متعاقبا از انجام کار بسیار میزنند و خواستار اعتصاب میگردند. مسئله این اعتصاب از زوایای مختلف قابل بررسی است و از زوایای دستگاههای سرکوب و طبقه حاکمه از زوایای کارگران و همچنین از زوایای رهبری این اعتصاب که هر کدام بنوعی حائز اهمیت می باشد.

مبارزات کارگران معدن در سال ۱۹۷۴ بیکار و موفق گردیده بود که دولت محافظه کار آقای ادوارد هیت راه پائین بکشد اما مبارزات کارگران معدن سابقه طولانی تر نیز دارد و همیشه یکی از شریانهای حیاتی امپریالیسم انگلیسی یعنی ضایع ناشی از تولید ژغال سنگ را در معرض خطر قرار داده است. به همین دلیل رژیم محافظه کار خانم تاچر از قبل به زمینه سازی در میان کارگران برای کنترل " مبارزات دست زده است. از آنجا که عملکرد کارگران معدن نسبت به این تصمیم از قبل معلوم بود همین دلیل از مدت ها پیش دولت با ایجاد امکانات نسبتا بیشتر برای بخشی از معدنچیان در نواحی نا تیکهام شایر و " اطمینان " دادن به این که معدنهای این ناحیه در معرض بسته شدن قرار نخواهد گرفت و همچنین پرداختن " فوق العاده " به بررسی از این کارگران سعی در ایجاد تفرقه و دوستی در میان کارگران را نمود و از طرف دیگر یک کارگر یکی از هادترین کارگران امپریالیسم که از ایالات متحده آمریکا وارد شده بعنوان مدیر عامل " شرکت ملی ژغال سنگ " گمارده شده است. آقای طک گرگر در سال ۱۹۸۰ مدیر عامل کارخانه فولاد در بریتانیا بود که طرح بستن چند کارخانه را داده و اخراج چندین هزار کارگر را موجب شده بود. وحالا ما میراث اخراج بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر دیگر از کارگران معدن می باشد.

کارگران خشمگین بخصوص در نواحی پورک شایر و اسکاتلند مناطقی که احتمال بسته شدن معدن آنها در آنجا بیشتر می باشد خواستار اعتصاب گردیدند و بدینال آن اتحادیه کارگران پس از تشکیل کمیته نمایندگان در شهر شفیلد در هنگامی که چند هزار کارگر در پیرون از ساختمان آمادگی خود را برای اعتصاب اعلام می کردند و بهای یک اعتصاب عمومی رفتند و علیرغم عدم شرکت کارگران نا تیکهام شایر و جنوب ولز در اولین روزهای اعتصاب بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر از کارگران در سراسر بریتانیا به اعتصاب پیوستند و علیرغم تلاش دولت و نیروهای سرکوبگر آن برای جلوگیری از گسترش مبارزه در فاصله یک هفته بیش از ۱۳۶/۰۰۰ نفر

از کارگران در اعتصاب بودند و ۱۳۲ معدن بسته و حتی در ناحیه نا تیکهام شایر ۹ معدن از ۲۵ معدن موجود نتوانست بکار خود ادامه دهد و بسته شد.

کارگران با فعالیت فوق العاده ای بخاطر گسترش مبارزه بر علیه این اقدام فاشیستی دولت با پلیس های فاشیست وارد مبارزه گردیدند و بایرگزوار کردن پیکت در مقابل معدنهایی که همچنان به کار ادامه میدادند سعی داشتند که این کارگران راه مبارزه جلب کنند. اما پلیس سرکوبگر امپریالیسم انگلیس بدستور اربابان خود بایکارتستن نیروی عظیمی از خود به درگیری با معدنچیان و دست گیری بسیاری از آنان پرداختند. پلیس حتی کارگران را در جاده ها متوقف کرده و به دستگیری آنها مبادرت می نمود و در ادامه آن کارگران به صد کردن راه ها و ایجاد ترافیک سنگین بوسیله رانندگان آهسته ماشینها در اتوبان ها پرداختند. در پیرو همین اعتصاب دولت بخاطر " فرب کارگران " تصمیم گرفت که مبلغ معینی پول را که به کارگران اخراج شده معدن می پردازد تا حد نسبتا زیادی افزایش دهد ولی این تصمیم نتوانست در اعتصاب کارگران تاثیر گذار باشد. و علیرغم تمام کوششهای رژیم برای ایجاد تفرقه در میان کارگران و مبارزات آنها همچنان ادامه دارد.

مسئله حائز اهمیت در شرایط کنونی بررسی تجربیات گذشته این نوع مبارزات کارگران می باشد. تجربه اعتصاب کارگران صنایع فولاد در سال ۱۹۸۰ نشان داده که با وجود تلاش و اعتصاب طولانی کارگران بر علیه اخراج دولت نتوانست تا مدت زیادی فولاد مورد احتیاج خود را از سایر کشورهای امپریالیستی وارد نماید و از ضربه زیادی که میتوانست اعتصاب کارگران فولاد وارد کند جلوگیری بعمل آورد این مسئله در شرایط کنونی نیز صادق است و پیروزی کارگران معدن تنها در مبارزات خود آنها خلاصه نمی شود بلکه پشتیبانی سایر کارگران در بخشهای مختلف بخصوص حمل و نقل و میتواند نقش موثری را ایفا کند و بدینوسیله با جلوگیری از رساندن ژغال سنگ لازم از کشورهای دیگر فشار بیشتری را بر دولت آورد و راه رسیدن به خواسته ها را تسهیل تر و هموارتر سازد.

کارگران معدن در این راه نیز اقداماتی انجام داده اند مثلا در بندری که ژغال سنگ وارد میشود و نظیر آن به برگزاری پیکت پرداختند که باز هم پلیس با ضمانت بعمل آوردن از آن به دستگیری و ضرب و شتم کارگران پرداخته است. آنچه بطور کلی موقعیت طبقه کارگر و بخصوص در شرایط کنونی اعتصاب کارگران معدن را رنج میدهد عدم وجود یک رهبری انقلابی است که بتواند این پتانسیل مبارزاتی و انقلابی کارگران را به پیروزی رسانده امروز سخنان و اظهارات تند و تیز آقای اسکارگیل رئیس اتحادیه عمومی کارگران معدن بریتانیا و آقای طک کسی رئیس اتحادیه کارگران معدن در اسکاتلند بر علیه آقای طک گرگر مدیر عامل واری داتی معادن بریتانیا و خانم تاچر ممکن است این توهم را بوجود آورد که کویا رهبری این اعتصاب قاطعانه بخاطر منافع طبقه کارگر مبارزه میکند اما واقعیت چیز دیگری است و این ریشه در فرم تشکیلاتی نرید یونیونسی حاکم برجسته کارگری انگلستان دارد و تنها به آقای اسکارگیل و غیره خلاصه نمی شود و به منظور روشن کردن مسئله حقاری به آن می پردازیم. اساسا رهبری حاکم بر این جنبش نفع طلب نمایندگان واقعی طبقه کارگر نمی باشند بلکه بالعکس بنوعی نمایندگان سرمایه داران و محافظ منافع آنان می باشند و تجربه نشان داده است که علیرغم آمادگی کامل طبقه کارگر برای مبارزه با این رهبری بوده که بارها از تصحیح یافتن مبارزات کارگران جلوگیری بعمل آورده و جنبش را به شکست کشانده است. آقای اسکارگیل یکی از به اصطلاح رادیکالترین رهبران اتحادیه های صنعتی کارگران در درجه اول با به رسمیت شناختن قوانین حکومت افره یالیستی به کارگران میگوید که در این چارچوب میتوانند به خواسته های شان برسند و در نتیجه این مبارزات از چارچوب خواسته های اقتصادی پارافراتر نهاده و به همانجا ختم می گردند. در حالیکه تاریخ نشان داده است

بقیه در صفحه ۴

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

پوزش و تصحیح

در ستاد شماره ۲۶، در مقاله "شوروی در کمپانقلاب یا ضد انقلاب؟" صفحه ۳، مستون ۲، بار اگراف آخر و دنباله اش در صفحه ۴ تا آخر بار اگراف چندین جمله جا به جا به چاپ رسیده که بدین وسیله از خوانندگان عزیز پوزش طلبیده و صحیح آنرا در پائین می آوریم.

سیاست های داخلی و خارجی "شوروی" دوروی سکه زردی را تشکیل میدهد که در رقابت سختی در بیشتر جهات با امپریالیست های غربی بویژه آمریکا قرار دارد. با نگاهی کوتاه به آمار و ارقام متوجه خواهیم شد که بطور سالانه مقدار وامگیری شوروی از کشورهای غربی سیر صعودی را طی کرده است. خارج از نهن خواهد بود چنانچه تصور شود این وام گیریها بر اثر کمبود سرمایه کافی برای بهبود وضع اقتصادی شوروی بوده است چرا که همزمان با آن میزان وام های داده شده به کشورهای عقب مانده یا "بحال رشد" افزایش پیدا کرده است.

وام های گرفته شده توسط شوروی

۵۲۰ میلیون دلار در سالهای ۳۰ - ۱۹۵۸

۱۵۰ میلیون دلار در سالهای ۲۹ - ۱۹۶۴

۵۰۰۰ میلیون دلار در سالهای ۳۰ - ۱۹۷۰

جمع ۵۷۲۰

وامی که شوروی در زیر عنوان "موافقت های همکاری اقتصادی و فنی" به ۴۰ کشور عقب مانده طی سالهای ۳۰ - ۱۹۵۴ داده ۸۲۰۰ میلیون دلار بوده است. این بیانگر چیست؟ آنچه که مسلم است این وام ها

برای مصرف داخلی گرفته نشده است چرا که تقریباً بهمان نسبت به کشورهای عقب افتاده وام داده است. واقعیتی دیگر اینکه برخلاف آنچه که حکامان مرتجع شوروی میخواهند وانمود کنند، دایه مهربانتر از مادر هم نداده اند که از طرفی وام بگیرند و از طرفی برای کمک دوستی تحویل کشورهای عقب افتاده یا به اصطلاح خونسدان "بحال رشد" بدهند چرا که تمام وامها با سود بوده است.

اخبار جهان بقیه از صفحه ۱۲

اریتره مبارزات خلق اریتره که تقریباً اکثر خاک کشور را آزاد ساخته و بجز ۵ شهر بقیه مناطق در دست انقلابیون بود در سال ۱۹۷۷ متحمل شکست های زیادی گردید. بجز شهر "نکفا" که پایتخت این کشور است و بر اثر بمبارانهای فراوان تقریباً با خاک یکسان شد تمام مناطق بدست مزدوران ارتش اتیوپی سقوط کرد. جنگهای جدید که از ۴ ماه پیش آغاز شد ضربات سهمگینی به ارتش اتیوپی وارد کرده در این جنگها بیش از ۴۰۰۰ (چهار هزار) نظامیان اتیوپی به درک واصل شده و ۲۵۰۰ نفر اسیر میشوند. شهرهای "تمسنی"، "الغنا" بدست ارتش آزادیبخش اریتره افتاده و نبرد برلی گرفتن شهرهای "کرن" و "افابت" در استان ساحلی که از مناطق پسر اهمیت نظامی است ادامه دارد. طی این درگیریها ۳ پادگان مهم ارتش اتیوپی در این مناطق سقوط کرد و سلاحها و مهمات زیادی از قبیل تانک و نفربر و ... بدست ارتش آزادیبخش خلق اریتره افتاد. از این سلاحها در درگیریهای جدید استفاده زیادی شده است. ارتش اتیوپی صد هزار قوای نظامی برای سرکوبی خلق اریتره بسیج نموده که مسلح به سلاحهای مدرن ساخت ابر قدرت شوروی میباشد. اخیراً بر اثر بمبارانهای شهرهای اریتره، یک میگ ۳۳ ساخت شوروی سرنگون شد و خلبان آن به جمع ۲۵۰۰ نفر اسیر ارتش اتیوپی اضافه گردید. حملات ایندوره مبارزین اریتره بسیار موفقیت آمیز بوده و سرزمین های زیادی را آزاد کرده است.

بر اثر قحطی شدید در مناطق اتیوپی و اریتره، ناظران آلمان، انگلیس، فرانسه و نوروژ به تقاضای نمایندگان ارتش آزادیبخش اریتره برای کمک رسانی به ۱/۲ میلیون مردم گرسنه از این کشور بازدید کردند. نزدیک به ۶ میلیون نفر نیز در اتیوپی با خطر جدی مرگ مواجه هستند و دولت اتیوپی از سازمانهای مختلف جهانی برای نجات گرسنگان تقاضای کمک کرده است.

پرو
همزمان با چهارمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلقهای پسر، انقلابیون آن کشور بر رهبری حزب کمونیست پرو ایستگاه رادیو نسی شهر "هوانتا" را به تصرف خود در آوردند. انقلابیون پرو که در مناطق کوههای آند و استان آیاکوچو مناطق آزاد شده دارند در شرایط حکومت نظامی به شهر هوانتا که در ۵۰ مایلی آیاکوچو قرار دارد یورش بردند و یک نوار نیم ساعته که قبلاً ضبط شده بود از طریق رادیو پخش نمودند. در این نوار اعلام شد که حملات وسیعتری بزودی از طرف انقلابیون پرو صورت خواهد گرفت. وسعت سرزمینهای آزاد شده توسط انقلابیون پرو برابر مجموع مساحت کشورهای بلژیک و هلند میباشد.

در عملیات دیگری در بخش "هواما نگیولا" انقلابیون که قبلاً مزدوران رژیم را شناسائی کرده بودند با تشکیل دادگاه خلق در این منطقه ۲ تن از آنان را با رای مردم اعدام نمودند. یکی از آنان شهردار به اصطلاح چپ منطقه و دیگری یکی از مسئولین سابق بهداری منطقه بود که برای رژیم جاسوسی مینمود.

بقیه در صفحه ۸



“پلورالیسم” ... بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا نیز جنایات بیشمار خود را در ویتنام “حفظ تمدن و آزادی” مصر- فی حکمران، حکومت پرهیزهای وحشی خمینی هم پرتماهی جنایات و ستمگریش “شهر” حاکمیت الهی “و” آزادی اسلامی “میزند که جوی نیز لای در زینت نیروی”.

در این میان پس از سرنگونی رژیم شاه و افشای جنایات امپریالیسم آمریکا و گذشت ۵ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی در زمینه عدم ثبات رژیم در ایران و نفرت عمیقی که مردم از دستگاه جمهوری اسلامی بدل دارند فرصت طلبان و ضد انقلابیون سعی در تمامی طول مبارزات مردم مایه علیه حاکمیت های استبدادی شاه و خصمنی روزی در کنار آن یکی و امروز همدا بلاین یکی بودند تا گمانان با جابجایی جنایات ضد انقلابی سعی در مطرح کردن خود در سطح مبارزات مردم کردند تا به یمن جانبازی نیروهای انقلابی در تخمیر و تحولات در راه کلاهی از این خطه برای خود بدویند. پس از ماهها همکاری زینت و برخاست های آشکار و پنهان با نمایندگان امپریالیست های غرب و “صلت تاریخی” جنایات سرسپرده و وابسته امنیتی و بختیار و نشاندن “تاج پادشاهی” بر سر فرزند جبهون محمد رضا شاه آنهم در یاری و پیامهای کدائی به ارتشیان فراری ووده “بازگشت” به بهشت سرمایه داریشان رجال گان سیاسی و عناصر ساواکی “نهضت مقاومت” ملی “برای ابراز وجود منموس خود در هفته های گذشته با حمل جاذق وینجه بوکس برای تبلیغات ضد انقلابی با هواداران سازمانها در محوطه دانشگاه - پاریس به زد و خورد میریزانند. اینان درینا شعارهای پیچ “ملی گرائی” و “پلورالیسم فکری” با خاک پاشیدن به چشم مردم قصد ایجاد روابط - اسارتیار گذشته را در قالب “مدن” و “ایرانی” (بهتر اینان) دارند. و رشکستان سیاسی ورنده شدگان از بزرگترین صحنه رای گیری و اجرای دموکراسی معاصر مردم ایران یعنی قیام بهمن ۵۷، امروز که حاکمیت مرجع خمینی با پشت پاژن بر آموانهای آزادخواهانه و استقلال طلبانه مردمان روی جلدان محمد - رضائشای را سفید کرده مفلوگانه دم از “پلورالیسم” و حکومت “جیاسماعتی” شان (که این دیگر معلوم نیست چه صیغه ای است) میزنند بی آنکه رای قاطع اکثریت مردم ایران را در سرنگونی سلطنت و زواید از نوع بختیارش بیاد بیاورند و در

پناه جبهه کدائی “مقاومت ملیشان” نسخه حکومت قانونی مشروطه “در کنار” علکان استبداد از قاضایینی و شازده های قاجاری پهلوی برای مردم ایران می پیچند. یاناشیانه خود را پاسداران “فرهنگ و سنتن ایرانی” جانی زنند بی آنکه مغزعلیشان به این واقعیت رسیده باشد که فرهنگ و سنتی که امروز برای مردم ایران برای بقای خود مطرح است فرهنگی مبارزاتی در مقابل هجوم شامالهی ها و حزبالهی ها و پشتیبانان امپریالیستشان به سنتن انقلابی و آزادخواهان نشان می باشد نه نمرهای بدستانه مشتکی ساواکی و سرمایه دار - فراری در کا بارها و کلوپهای پایتختهای اروپائی که سرود خوانان بیاد “صین از دست رفته شان برای” هجوم لعاب “به” سرزمین آریائیها “اشک تصاح می بریزد. و آنجا که حضور یارکشان در میان هواداران سازمانهای انقلابی بخاطر کارنامه سیاه همکاریهایشان با ارتجاع سرنگون شده و کتونی تحمل نمی شود آنان را “مجران فاشیسم” و عناصر “گروههای تروریستی” خطاب میکنند.

که البته جای تعجبی هم نیست که غیر از خود و عناصر متزلزل لیبرالی که از مواضع تیپ و راست پشازگی با طولانی شدن مبارزه یوغ همزیستی با این مرتجعین رابسه کردن خود انداخته اند هیچ موجود دیگری در واقعیت از “پلورالیسم” اینان بهره نخواهد برد.

به اعتقاد ما حوادث دانشگاه پاریس در ارتباط با توطئه های جدید امپریالیسم در مطرح کردن نیروهای ضد انقلابی رانده شده از ایران و در پروسه آن پیوند این میانان با عناصر و محافظ دین و بیرون حکومتی رژیم جمهوری اسلامی بعنوان کم خطرترین آلترناتیو ضد انقلابی در مقابل حوادث بزرگ سیاسی مبارزاتی است که در آینده ای نه دور انتظار جامعه ایران را میکشد.

بی شک همچون گذشته جنبش مبارز دانشجوئی خارج از کشور نیز با طرد و افشای این محافظ و عناصر ضد انقلابی در راه اتحاد و مبارزه بر علیه هر دو ارتجاع غالب (خمینی) و سرنگون شده (شاه) و حامیان امپریالیستشان قدمهای موثرتری خواهد برداشت.

وقایع جنوب آفریقا

داده بود که احتمال دستگیری و تحویل عده ای از اعضا “ک.م.آ.” توسط پلیس سوازیلی لند به آفریقای جنوبی می رود. نخست وزیر سوازیلی لند در بیانیه ای اظهار داشته است که اعضا “ک.م.آ.” قوانین بناهندگی را زیر پا گذاشته و خطر جدی برای مردم آن کشور بحساب می آیند بنابراین با این شرایط کشور سوازیلی لند قادر به اجازه دادن به اعضا “ک.م.آ.” نمی باشد.

بر اساس گزارش تلویزیون آفریقای جنوبی، کمیسیون نظارت آفریقای جنوبی با آنگولا عده ای از جریکهای سوابو را کشته اند. تلویزیون جسد ۳ نفر از آنان را نشان داد بعد از دیدار نمایندگان ۶ کشور جبهه مقدم (تا نزا نیا سوا میتا سوا نازیمبا بوم آنگولا سوا مبیك) جهت بررسی قراردادهای صلح بین آنگولا و موزامبیك با آفریقای جنوبی که در تانزانیا صورت گرفت و دو کشور آنگولا و موزامبیك خشنودی خود را از نتایج این مذاکره اعلام نمودند. در این باره باز خواهم نوشت.

در تکمیل مقاله ای که در مورد وقایع اخیر در آفریقا نوشته شده، بعد از نوشتن مقاله اخبار بیشتری بدستمان رسید که در تکمیل شدن مقاله به ما کمک می کند.

هیچ عضو “کنگره ملی آفریقا” (ک.م.آ.) حق اقامت در موزامبیك را ندارد و از تمام اعضا این سازمان خواسته شده است که یا کشور را ترک کنند و یا در اردوگاههای مخصوص تحت نظارت “کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل متحد” اسکان گیریند. ک.م.آ. حق رفت و آمد به این اردوگاهها را نخواهد داشت. اعضا “ک.م.آ.” که به رژیم موزامبیك اطمینان ندارد در حال خروج از آن کشور و رفتن به تانزانیا، اتیوپی و سوازیلی لند هستند. اعضا “ک.م.آ.” در - گیریهای مختلف با پلیس و ارتش سوازیلی لند چند نفر از آنان را کشته و زخمی مینمایند. تعیادی از زخمیان ارتش سوازیلی لند جهت معالجه به آفریقای جنوبی فرستاده شده اند و دو نفر از اعضا “ک.م.آ.” در این درگیریها کشته شده اند. اطلاعاتی که از طرف دفتر “ک.م.آ.” در لوزاکا قبل از درگیریها صادر گردیده هشدار

بخوانید و ...

در محاصره اقتصادی ایران، ژاپن در کنار امپریالیسم آمریکا و سایر قدرت های چپاولگر قرارداد است. همچنین برنامه های آمریکا در مورد تنگه هرمز به انحاء مختلف مورد تایید ژاپن بوده است.

اطلاعات

شماره ۲۸ اردیبهشت ماه
۱۳۶۳ شماره ۱۷۴۷۳

ژاپن: بسوی همراهی کامل نظامی با آمریکا

صبح امروز:

دکتر ولایتی با وزیر امور خارجه ژاپن دیدار کرد

ولایتی: ما خوشحالیم که روابط ایران و ژاپن روبه گسترش و توسعه می باشد. وزیر خارجه ژاپن: این دیدار فرصت مناسبی است تا با استفاده از آن روابط دو کشور را هر چه بیشتر تحکیم بخشیم.

دکتر ولایتی وزیر امور خارجه ژاپن در این دیدار با وزیر امور خارجه ژاپن دیدار کرد. دکتر ولایتی در این دیدار با وزیر امور خارجه ژاپن دیدار کرد. دکتر ولایتی در این دیدار با وزیر امور خارجه ژاپن دیدار کرد.

دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه کشورمان بعد از ظهر دیروز در راس یک هیئت عالی رتبه سیاسی اقتصادی به منظور دیدار رسمی از کشور های ژاپن و هائلی

اطلاعات
شماره ۲۸ اردیبهشت ماه
۱۳۶۳ شماره ۱۷۴۷۳

دیگ به دیگ میگه روت سیاه

سازمان عفو بین المللی نیز اعتراف می کند اعمال شکنجه های جسمی و روحی در زندان ها و سیاهچال های رژیم بعثی عراق

مسلمانان و مخالفین رژیم بعثی صهیونیستی حاکم بر بغداد در زندان ها و سیاه چال های مخوف زیر شکنجه هائی کج بدست دژ خیمان صدام صورت میگیرد جان خود را از دست میدهند

بگزارش واحد مرکزی خبر سازمان عفو بین المللی در قسمتی از گزارش خود تحت عنوان « شکنجه در سال های دهه ۱۹۸۰ء مینویسد: اعمال شکنجه های گوناگون از جمله وارد ساختن ضربات مشت و لگد و با طوم و استفاده از شوک های الکتریکی و اعدام های قلابی برای بسیاری از زندانیان سیاسی عراق آسیب های جسمی و روحی دانی بیار آورده است.

سازمان عفو بین المللی بر اساس مصاحبه ها و ملاحظات پزشکی که در مورد پانزده تن از عراقی های تبعیدی انجام گرفته است در گزارش خود می افزاید این تعداد در عراق از سوی مأموران امنیتی صدام با شکنجه مورد بازجویی قرار گرفتند. بعضی از این افراد گفته اند مأموران امنیتی عراق با توسل به سوزاندن بدن توسط آتش سیگار اصرار در مطلع شدن از عقاید و نظرات سیاسی آنها داشتند. بعضی از این افراد نیز هنوز از ناراحتی های جسمی و افسردگی ناشی از شکنجه رنج میبرند.

سازمان عفو بین المللی با اشاره به نتایج تحقیقات گروه اغزامی خود به عراق در سال ۱۹۸۲ مبنی بر وجود شکنجه در زندان های عراق طی یادداشتی باین کشور مینویسد « هنوز هم در عراق شکنجه و بازداشت های غیر قانونی وجود دارد » باین وجود این سازمان بدون آنکه رژیم بعثی صهیونیستی حاکم بر عراق را محکوم کند تنها به ارسال درخواستی به صدام اکتفا میکند و از چنین چنانیکاری آنها تلوینا میخواند شخصا بیانیه ای انتشار دهد و زمین های لازم را برای جلوگیری از اعمال شکنجه نسبت به زندانیان در نظر گیرد.

وعدو نوید های آیت الله مشکینی در دیدار با کتا ورزان

اندک زمانی کتا ورزی ما شکوفا خواهد شد.

بطوریکه محصولات کتا ورزی ما حتی به خارج از کشور صادر خواهد شد.

عدو وی خطاب به کتا ورزان افزود از دهات و روستاها مهاجرت نکنید.

وبه شهرها هجوم نیاورید و سعادت کشور خود را از بین نبرید.

یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه
۱۳۶۳ شماره ۱۷۴۷۳

اطلاعات

..... مطمئن باشید ان شاء الله زمانی که جنگ تحمیلی با پیروزی

نهائی رزمندگان اسلام خاتمه پذیرد و جوانان ما باز گردند و در